

## گونه‌شناسی سکه‌های طراز ساسانی تبرستان در قرون اول و دوم هجری

\* مجید حاجی تبار

\*\* جواد نیستانی

\*\*\* سید مهدی موسوی کوهپر

### چکیده

شهریاران تبرستان پیش از تصرف منطقه از سوی اعراب مسلمان به‌طور مستقل سکه ضرب می‌کردند. نقوش کلی سکه‌ها شباهت بسیاری به مسکوکات ساسانیان دارد، ولی وزن، اندازه، مضامین کتیبه‌ها و تصاویر در آن با درهم‌های ساسانی متفاوت است. تاریخ‌گذاری آنها برخلاف دوره ساسانی (براساس تاریخ آغاز سلطنت هر پادشاه) مبتنی بر سالروز درگذشت یزدگرد سوم است. این تغییرات در سکه‌های ولات عباسی بیشتر مشهود و گونه‌های مختلفی از آنها شناسایی شده است. در این پژوهش سعی شده مسکوکات عصر انتقال، گونه‌های متفاوت سکه‌های اسپهبدان و ولات عرب شناسایی و از هم تفکیک شوند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد شاهان مستقل و ولات عباسی به‌لحاظ نوشتاری و نقوش و علائم بیش از یک گونه سکه داشته‌اند. این پژوهش با رویکرد تاریخ فرهنگی و با ابزار گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و سنجش سکه‌ها در موزه‌ها و مجموعه‌ها انجام شده است.

### واژگان کلیدی

گونه‌شناسی سکه‌ها، طراز ساسانی، تبرستان، قرون اول و دوم هجری.

\*. دانشجوی دوره دکتری باستان‌شناسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی ایران.

hajitabarm@gmail.com

jneyestani@modares.ac.ir

m\_mousavi@modares.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۸/۲۱

\*\* . دانشیار دانشگاه تربیت مدرس.

\*\*\* . دانشیار دانشگاه تربیت مدرس.

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۲۷

### طرح مسئله

درگذشت یزدگرد سوم در سال ۶۵۱ میلادی آخرین تلاش‌ها و مقاومت‌ها را برای ابقای دولت ساسانی ناکام گذاشت و بخش وسیعی از قلمرو ساسانی به تصرف مسلمانان درآمد. در این میان سرزمین تبرستان با توجه به کوه‌های مرتفع البرز و جنگل‌های غیر قابل عبور، از تهاجمات مصون ماند. این فرصت موجب شد چند خاندان بزرگ ساسانی در تبرستان سلسله‌های مستقلی را تشکیل دهند. مهم‌ترین و مؤثرترین این حاکمیت سیاسی مربوط به خاندان گاوباره‌گان است. منابع تاریخی این خاندان را از اخلاف جاماسب (۴۹۹ - ۴۹۷ م) ساسانی می‌دانند.<sup>۱</sup> فرزندان و نوادگان وی بعدها در تبرستان سلسله‌ای بنیان نهادند که به گاوباره‌گان شهرت یافتند.<sup>۲</sup> دابویه، فرزند گیل پس از پدر حکومت تبرستان را عهده‌دار گردید. حاکمیت دابوئیان منسوب به دابویه است. فرخان پسر بزرگ دابو و جانشین وی به تثبیت این پادشاهی پرداخت و آن را گسترش داد. فرخان با وجود همه تنش‌های پیش‌رو، برای اولین بار به ضرب سکه اقدام کرد. پس از وی فرزند و نواده وی به نام‌های «دات برز مهر» و «خورشید» ضرب سکه را ادامه دادند.<sup>۳</sup> در حقیقت عصر نوینی از ساسانی شکل گرفت و راه و رسم آنان احیا شد؛ آیین زردشت گسترش یافت که تجلی آن بر سکه‌ها کاملاً مشهود است. سکه‌های این دوره با وجود شباهت زیاد با مسکوکات ساسانی از نظر وزن، اندازه، سال و محل ضرب، از لحاظ مضمون و محتوای نوشتاری، جنس و شیوه تاریخ‌گذاری با آنها تفاوت دارد.

خلیفه منصور عباسی (۱۵۸ - ۱۳۶ ق) با خدعه و نیرنگ وارد تبرستان شد و اسپهبد خورشید، آخرین پادشاه مستقل تبرستان را به سال ۱۴۴ ق در هم شکست. پس از فتح تبرستان، امیرانی به نیابت از سوی عباسیان مأمور اداره این ولایت شدند، آنان در آمل اقامت گرفتند. ولات، ضرب سکه را با طرح و طراز ساسانی پی گرفتند و چون گذشته بر یک روی، چهره پادشاه و بر روی دیگر نقش آتشدان آمده است. در این دوره علاوه بر خط پهلوی، از خط کوفی برای اسامی امیران عرب استفاده شده است.

کتیبه‌ها و شیوه نگارش آن، مضمون و محتوای نوشتار، علائم و نشانه‌های منقور بر مسکوکات، شیوه‌های نقش‌اندازی و چهره‌پردازی سکه‌ها سبب شد، تا انواع و گونه‌های مختلفی

۱. ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ص ۱۵۴ - ۱۵۳؛ مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۱۰ - ۹.

۲. آملی، تاریخ رویان، ص ۲۸ - ۲۵.

۳. اعظمی سنگسری، «سکه‌های تبرستان و گاوبارگان و حکام خلفا»، بررسی‌های تاریخی، ش ۲ - ۱، ص ۱۷۱.

از مسکوکات شاهان و ولات عباسی از یکدیگر قابل تشخیص و تفکیک باشد. از یک پادشاه یا امیر عرب با توجه به تفاوت‌های مذکور، بیش از یک‌گونه سکه برجای مانده است. با وجود این تفاوت‌ها، پژوهش مستقلی در این باره انجام نشده است. سکه‌های این دوره براساس تفاوت ظاهری و محتوایی با یکدیگر مقایسه شدند و حاصل آن، شناسایی گونه‌های مختلفی از سکه‌های یک پادشاه یا امیر است. این تفاوت‌ها بی‌شک بازتابنده بخشی از تحولات تاریخ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در منطقه مازندران است. این پژوهش با گردآوری بیش از دویست سکه از موزه‌های ملی ایران، بانک سپه، رضا عباسی، ملی، ملک، تماشاگاه پول، موزه رشت و میراث فرهنگی استان مازندران و برخی مجموعه‌های شخصی انجام شده است.

### پیشینه شکل‌گیری حکومت اسپهبدان تبرستان

با آغاز درگیری جاماسب (۴۹۹ - ۴۹۷ م) با برادران خود بلاش (۴۸۸ - ۴۸۴ م) و قباد (۴۹۷ - ۴۸۸ م و ۵۳۱ - ۴۹۹ م) بر سر قدرت و سیطره قباد بر آنها، جاماسب در دوره دوم حکمرانی وی (۵۳۱ - ۴۹۹ م) از مداین گریخت و به ارمنیه رفت و در آنجا سکنی گزید. فیروز از فرزندان جاماسب است<sup>۱</sup> که حاکمیت ساسانی را تا سرحدات گیلان توسعه داد.<sup>۲</sup> از فیروز پسری به‌نام گیلانشاه و از او فرزندی به‌نام گیل و ملقب به گیل گاوباره زاده شد که پس از فتح تمام گیلان و دیلمستان، نایبی در گیلان گماشت و خود با دو سر گاو گیلی به آیین آوارگان پیاده روانه تبرستان شد.<sup>۳</sup> درایت گیل از یک سو و هجوم ترکان و شجاعت وی در نبرد، آوازه او را میان مردم و آذر و لاش حاکم تبرستان دو چندان کرد.<sup>۴</sup> آذر و لاش ولایت رویان را بدو واگذارد.<sup>۵</sup> با مرگ آذر و لاش، تبرستان به‌تمامی در اختیار گیل گاوباره درآمد. ابن اسفندیار این واقعه را سال ۳۵ از تاریخ عجم می‌داند.<sup>۶</sup> مدت حکمرانی گیل گاوباره را ۱۵ سال نوشته‌اند که بیشتر آن در گیلان سپری شده است.<sup>۷</sup> بسیاری از وقایع حکمرانی گیل در هاله‌ای از ابهام است. بنابر منابع تاریخی، گیل پس از کامیابی

۱. ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ص ۱۵۳.

۲. همان.

۳. همان.

۴. گیلانی، تاریخ مازندران، ص ۳۳.

۵. همان.

۶. ابن اسفندیار، تاریخ تبرستان، ص ۱۵۴.

۷. همان.

در تبرستان آن را میان دو تن از فرزندان دابویه و پادوسپان قسمت کرد. بخش مرکزی و شرقی از مرز گرگان تا ناتل (حدود نور فعلی) به دابویه پسر بزرگتر واگذار شد و بخش غربی به مرکزیت رویان به اختیار پادوسپان درآمد.<sup>۱</sup> دابویه در حیات پدر نایب سلطنت بخش شرقی و مرکزی تبرستان را برعهده داشته و مقرر حکومت وی آمل بوده است. دابویه بنیان‌گذار سلسله‌ای شد که تا سال ۱۴۴ ق تا دوام یافت.<sup>۲</sup> تثبیت‌کننده حکومت دابوئیان در تبرستان، فرخان (۷۹ - ۶۰ پس از یزدگردی) پسر بزرگ دابویه است.<sup>۳</sup> اعراب در این دوره برای گشودن تبرستان تلاش‌های زیادی انجام دادند و بارها به آنجا هجوم آوردند، اما توفیق نیافتند؛ از جمله این موارد یورش مصقلة بن هبیره است که به قولی با بیست هزار تن، مأمور فتح تبرستان گردید. به گفته بلاذری «دشمن بر او خدعه کرد و او را با همراهان به درون بلاد کشید و چون به تنگه‌ها رسیدند، راه بر ایشان گرفته و از فراز کوهستان تخته‌سنگ‌ها بر سرشان بیفکندند؛ چنان که مصقله و سپاهیان وی همگی هلاک شدند.»<sup>۴</sup> این واقعه در سال ۵۸ ق رخ داد.<sup>۵</sup> مهم‌ترین واقعه دوران حکمرانی فرخان، هجوم یزید بن مهلب والی خراسان در زمان خلافت سلیمان اموی (۹۹ - ۹۶ ق) اموی بود که شهر همیشه، نخستین شهر مهم تبرستان را از جانب شرق تصرف کرد و به کرسی‌نشین ساری رسید. در این یورش سنگین سرانجام فرخان با یاری دیلمیان، سپاه یزید را شکست داد و با دریافت غرامت ۳۰۰ هزار دیناری رضایت داد تا باقی‌مانده سپاه و فرماندهان و یزید از تبرستان خارج گردند. حدود دو سال بعد فرخان درگذشت.<sup>۶</sup> بعد از مرگ فرخان، فرزندش دات برزمهر (۸۹ - ۷۹ پس از یزدگردی) بر تخت سلطنت نشست. دوران پادشاهی وی مقارن با تزلزل و سستی پایه‌های حکومتی خلفای اموی است و همین امر، آرامش و آسایش حکومت او را به‌دنبال داشت.<sup>۷</sup> پس از درگذشت دات برزمهر که ظاهراً در سال ۱۱۲ ق رخ داد،<sup>۸</sup> ولایت تبرستان به فرزند خردسال وی خورشید رسید که به‌خاطر صغر سن، عمویش به‌نام فرخان نیابت سلطنت را عهده‌دار شد. پس از هشت سال خورشید بر

۱. برزگر، تاریخ تبرستان، ج ۲، ص ۴۷.

۲. گیلانی، تاریخ مازندران، ص ۳۳.

۳. ابن‌اسفندیار، تاریخ تبرستان، ص ۱۵۷.

۴. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۴۶۹.

۵. برزگر، تاریخ تبرستان، ج ۲، ص ۹۵.

۶. ابن‌اسفندیار، تاریخ تبرستان، ص ۱۶۲ و ۱۶۵.

۷. همان، ص ۱۶۵.

۸. زرین کوب، تاریخ مردم ایران از پایان ساسانیان تا پایان آل‌بویه، ص ۳۶۶.

تخت سلطنت جلوس کرد. خلفای اموی در سال‌های آغازین شهریاری خورشید سرگرم منازعات داخلی بودند و این امر فرصتی برای تحکیم قدرت وی فراهم ساخت. مقارن ظهور دولت عباسی، خورشید خراجگزار ایشان شد و نزاعی با اعراب نداشت.<sup>۱</sup> در زمان منصور عباسی، فرزندش مهدی که در ری اقامت داشت، به بهانه دفع شورش خراسان خواستار انتقال بخشی از نیروها از راه تبرستان شد که با موافقت خورشید مواجه گردید. اما لشکریان در حین عبور به ترفند تبرستان را گشودند و خورشید نیز خودکشی کرد.<sup>۲</sup> با مرگ خورشید، سلسله‌ای که گفته شده ۱۱۹ سال از گیل گاوباره تا خورشید تداوم داشت، فروپاشید.

## ولایت عرب تبرستان

خلفای عباسی پس از فتح تبرستان، امرایی را برای اداره مناطق آن منصوب می‌کردند. آنان در آمل اقامت داشتند و وظیفه آنها حفظ حاکمیت خلفا بر مناطقی بود که به‌تازگی تن به اطاعت ایشان داده بودند. هرچند اشرافیت محلی آسیب چندانی ندید، ولی برخی رؤسای زردشتی به قتل رسیدند.<sup>۳</sup> مدت حکمروایی ولایت عرب تبرستان را نمی‌توان مشخص کرد. مورخان در این باره و تعداد امیران اختلاف نظر دارند. در این دوره برخی امرا چندین دوره به حکومت رسیدند که عمر بن العلاء، روح بن حاتم و خالد بن برمک از جمله آنها هستند.

## شاخصه‌های مسکوکات طراز ساسانی تبرستان

از گیل و فرزندش دابویه سکه‌ای به نظر سکه‌شناسان نرسیده است، اما اسپهبد فرخان پسر دابویه اقدام به ضرب سکه کرد. در واقع این دوره را می‌توان «عصر نوین ساسانی» نامید؛<sup>۴</sup> چراکه در تبرستان راه و رسم ساسانیان احیا شد و آیین زردشت چون گذشته ادامه یافت. این سکه‌ها با وجود شباهت زیاد به سکه‌های ساسانی، در وزن، اندازه، سال و محل ضرب، نوشته، جنس و شیوه تاریخ‌گذاری تفاوت‌هایی با مسکوکات ساسانی دارند.

برخی سکه‌شناسان، سکه‌های رایج تبرستان را درهم‌های طبری یا الطبریه<sup>۵</sup> یا اصهبذیه<sup>۶</sup>

۱. همان.

۲. ابن اسفندیار، تاریخ تبرستان، ص ۱۷۷.

۳. مادلونگ، سلسله‌های کوچک شمال ایران و ایالات ساحلی دریای خزر، ص ۱۷۴.

۴. اعظمی سنگسری، «سکه‌های تبرستان، گاوبارگان و حکام خلفا»، بررسی‌های تاریخی، ش ۲ - ۱، ص ۱۷۱.

۵. نقشبندی، درهم اسلامی، ص ۶.

۶. امام شوشتری، تاریخ مقیاس‌ها و نقود در حکومت اسلامی، ص ۷۰.

می‌نامند. درهم‌های طبری درهم‌های کوچکی به وزن نصف درهم‌های سود الوافیه بغلی و مساوی چهار دانگ، یعنی ده قیراط است<sup>۱</sup> (درهم‌های سود الوافیه بغلی مسکوک‌ی به وزن یک مثقال یا یک دینار یا هشت دانگ بوده است)<sup>۲</sup>. وزن متعارف درهم تبرستان نیم مثقال بوده است.<sup>۳</sup> با توجه به نظر محققان از وزن سکه‌های تبرستان و بررسی واحدهای وزنی می‌توان میانگین وزن مسکوکات تبرستان را بین ۲ / ۱۰ تا ۲ / ۱۵ گرم دانست. در حقیقت نیم‌درهمی‌های تبرستان از سیستم وزنی دوره ساسانی، یعنی درهم به وزن ۴ / ۳ گرم تبعیت می‌کرده است. توزین مجموعه سکه‌های موزه پول، موزه بانک سپه و مجموعه‌های شخصی نشان می‌دهد وزن سکه‌ها به‌طور میانگین ۲ گرم است که با توجه به فرسایش و کسر وزن، تا حدودی با گفته مذکور مطابقت دارد. سکه‌ها عمدتاً از نقره‌اند و شمار برنز آنها اندک است. در موزه فردریک برلین سکه‌ای از جنس طلا منسوب به این دوره موجود است که با توجه به غلط املایی در نگارش و تصاویر ناشیانه تقلیدی آن، به‌نظر اصل نمی‌آید.<sup>۴</sup> مبدأ تاریخ جدید که از ۳۱ ق برابر با یازده ژوئن ۶۵۲ میلادی و روز مرگ یزدگرد سوم است، بر سکه‌های تبرستان به چشم می‌خورد.<sup>۵</sup> البته برخی از امرای عرب چون روح بن حاتم سکه‌هایی به تاریخ ۱۴۶ و ۱۴۷ قمری دارند که به سبک اسپهبدی است.<sup>۶</sup> درباره مبدأ تاریخ سکه‌های تبرستان نظر دیگر آن است که در زمان خسرو دوم ساسانی (۶۲۸ - ۵۹۱ م) نوعی تاریخ‌گذاری ابداع شد تا براساس آن خراج گردآوری شود. مبدأ این تاریخ بیست و یکمین سال سلطنت خسرو و برابر با سال ۶۱۱ میلادی است. با تطبیق سال مرگ آذر و لاش (۳۵ عجمی)<sup>۷</sup> با تقویم خراجی مشخص می‌گردد سال مرگ آذر و لاش با این تقویم مطابقت دارد؛ چراکه در سال ۳۵ یزدگردی، یزدگرد سوم زنده نبوده است تا فرمان حکومت بر تبرستان را صادر نماید. با این توصیف سال ۳۵ عجمی برابر با ۶۴۵ میلادی است که یزدگرد فرمان حکومت را به نام گیل گاوباره صادر کرد. این مبدأ بعدها روی سکه فرخان به‌کار گرفته شد.<sup>۸</sup> عددنویسی بر سکه‌های

۱. نقشبندی، درهم اسلامی، ص ۶.

۲. امام شوشتری، تاریخ مقیاس‌ها و تقود در حکومت اسلامی، ص ۶۶.

۳. نقشبندی، درهم اسلامی، ص ۷.

۴. سرفراز و آورزمانی، سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه، ص ۱۳۴.

5. Walker, *Gatalogue of the Muhammadan*, p. xx.

6. Malek, *The dabuyid*, p. 52.

۷. ابن‌اسفندیار، تاریخ تبرستان، ص ۱۵۴.

۸. پاکزادیان، تاریخ و گاه‌شماری در سکه‌های تبرستان، ص ۱۷ - ۱۶.

این دوره مانند دوره ساسانی با حروف پهلوی و از اعداد کوچک به بزرگ، یعنی اول یکان، سپس دهگان و صدگان است. خط سکه‌های اسپهبدان و حکام عرب، پهلوی ساسانی و کوفی است و نوع کتابت به اواخر ساسانی نزدیک است. بر یک روی سکه نام اسپهبد و شعارهای افزود، خوره، اید و نواک آمده و بر روی دیگر محل (تپورستان) و سال ضرب نوشته شده است.<sup>۱</sup> نام امرای عرب و گاه نسب آنها به خط کوفی روی سکه آمده است و بقیه نوشته‌ها خط پهلوی است. نام برخی امیران عرب چون خالد بن برمک و تعدادی از سکه‌های عمر بن العلاء به پهلوی نوشته شده است. بر یک روی سکه چهره شاهان اواخر ساسانی، به‌خصوص خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۱ م) آمده که غالباً از آخرین سکه‌های وی اقتباس شده است. نیم‌تنه وی با ریش بلند و چشمانی بزرگ و دماغ نوک‌عقابی به طرف راست تصویر شده است. بر روی سکه‌های سلیمان و فضل بن سهل به‌جای نیم‌رخ، طرح لوزی با نوشته بخ به چشم می‌خورد. پشت سکه نقش آتشدان با ۲ نگهبان در اطراف آتش مقدس تصویر شده است. در سمت راست محل ضرب، تپورستان و در سمت چپ سال ضرب نوشته شده است.

۱. شرح و نوشته‌های در دو ردیف بر پشت سر تصویر شاه و پس گردن موی دیده می‌شود که محققان در مورد آن نظرات متفاوت دارند و به اشکال مختلف آن را حرف‌نویسی و آوانگاری و معنا می‌کنند. این کلمات (افزودت) **سوسا** و **سوسا** (خوره) است که انوالا آن را به‌صورت Afzute و Xvarrah آوانگاری کرده و آن را به‌معنای سلطنت فزون یاد آورده است. (9 p, *unvala, coins of tabaristan and some sasanian coins from susa*, سرفراز و آورزمانی آن را «فر افزود» معنا کرده‌اند. (سرفراز، *سکه‌های ایرانی از آغاز تا دوران زندیه*، ص ۱۲۶) ترابی طباطبایی و اعظمی سنگسری آن را «آرمان افزود» (اعظمی سنگسری، «سکه‌های تبرستان، گاوبارگان و حکام خلفا»، *بررسی‌های تاریخی*، ص ۱۷۱) و نقشبندی کلمه آن را به‌معنا مبارک باد و کلمه بعدی را «کدا» خوانده و دولتش دانسته‌اند و در مجموع آن را پادشاهی یا دولتش مبارک باد، یا مملکتش وسیع‌تر گردد، نوشته‌اند (نقشبندی، *درهم اسلامی*، ص ۱۲۶) کلمات **سوسا** اید و **سوسا** نواک به اشکال مختلف حرف‌نویسی و آوانگاری و معنا شده است. این دو کلمه را ( **سوسا** و **سوسا** ) سکه‌شناسان به چندین شکل آوانگاری و معنا کرده‌اند. جان واکر کلمه اول را AFD حرف‌نویسی و به‌معنای عالی و کلمه دوم را NVK حرف‌نویسی و به‌معنای خوب آورده است. (Walker, *Gatalogue of the Muhammadan Coins*, p 131 *in the British museum a gatalogue of the arab-sassanian coin*) انوالا نیز آن را به‌صورت newak و awd حرف‌نویسی می‌کند و می‌گوید این واژه برای اولین بار در یازدهمین سال حکومت خسرو دوم بر سکه‌های او پدیدار شده و AWD را به‌معنای وزن و کلمه **سوسا** را به‌معنای معجزه‌آسا و معنای کلی آن را معجزه‌آسا از لحاظ وزنی دانسته است. ( *unvala, coins of tabaristan and some sasanian*, p 10 *coins from susa*) در مورد کلمه جایگزین **سوسا** یعنی **سوسا** در حاشیه سکه‌های عمر به تاریخ‌های ۱۲۰ و ۱۲۵ تبرستانی انوالا آن را به معنای خوب‌صفتان دانسته و به شکل arun آوانگاری کرده است. (Ibid) علاوه بر کلمات مذکور، کلمه **سوسا** به پهلوی نیز آمده که شاید شکل ناقص کلمه آران ( **سوسا** ) باشد که بر سکه‌های بی‌نام به تاریخ‌های ۱۴۲ و ۱۴۳ تبرستانی آمده است. (Ibid)

## گونه‌های مختلف مسکوکات طراز ساسانی تبرستان

برای شناخت گونه‌ها، تغییر در کتیبه‌ها و رسم‌الخط، محتوای کتیبه‌ها و نشانه‌های نمادین و تزئینی و شیوه‌های نقش‌اندازی مورد توجه قرار گرفت و بر این اساس مسکوکات در گونه‌های مختلف به شرح ذیل تفکیک و طبقه‌بندی گردید:

### فرخان

از فرخان به‌لحاظ نوشتاری دو گونه سکه در دست است:

گونه اول، نام پادشاه به‌صورت  $\text{P, RHwn}$  بدون الف و نون آخر آمده است و در حاشیه کتیبه‌ای به چشم نمی‌خورد. این گونه سکه‌ها بین سال‌های ۶۰ تا ۷۰ تبرستانی رایج بوده است. (تصویر ۱)

گونه دوم، نام پادشاه به‌صورت  $\text{PRHNAN}$  با الف و نون آخر نوشته شده و در حاشیه کلمات  $\text{سوم}$  و  $\text{۱۱۷۱}$  به ترتیب در قطعات دوم و سوم آمده است. روی سکه نیم‌تنه پادشاه با گردنبندی دارای آویز شکل سه نقطه‌ای (•••) مروارید دارد. پشت‌سر دو کلمه  $\text{سوم}$  و  $\text{Afzot \& Xvarreh}$  (خوره و افزوت) نوشته شده است. بر روی دیگر نیز نقش آتشدان و نگهبانان طرح شده است. در بیرون قاب که با سه دایره از هم جدا شده، نقش تزئینی متشکل از سه نقطه آمده است. بیشتر سکه‌شناسان و مورخان دوران حکمرانی وی را از سال ۶۰ تا ۷۷ تبرستانی می‌دانند. (تصویر ۲)

### دات برزمهر

سکه‌های وی نسبتاً کمیاب است. از لحاظ نقش، سکه‌های این پادشاه مانند سکه‌های فرخان است و تفاوت چندانی با آن ندارد. روبه‌روی چهره نام وی به خط پهلوی  $\text{د سوزک مده}$  DAT-BWRC-MTN آمده است. مدت حکومت وی را آنوالا ده سال<sup>۱</sup> و واکر حدود ۱۳ سال، از ۱۱۰ تا ۱۲۳ قمری دانسته است.<sup>۲</sup> از دات برزمهر دو نوع سکه شناخته شده است. گونه اول تنها برای سال ۷۹ تبرستانی ضرب شده و از دومین نوع سکه فرخان تبعیت کرده است. بر حاشیه در قطعات دوم و سوم کلمات  $\text{سوم}$  و  $\text{۱۱۷۱}$  نوشته شده است. گونه دوم با حذف کلمه  $\text{۱۱۷۱}$  از قطعه سوم حاشیه است.<sup>۳</sup> از بررسی سکه‌های موجود توسط سکه‌شناسان می‌توان نتیجه گرفت که

1. Malek, *The dabuyid*, p. 52.
2. Walker, *Gatalogue of the Muhammadan*, p. 131.
3. malek, *The dabuyid*, p. 131.



دات برزمهر از سال ۷۹ تا ۸۸ تبرستانی به نام خود سکه ضرب کرده و در این سال‌ها بر تبرستان حاکمیت داشته است. (تصویر ۳)

### خورشید

سکه‌های خورشید بسیار زیاد است. رواج سکه‌های خورشید از ۸۹ تبرستانی آغاز و تا ۱۱۵ یعنی ۵ سال بعد از مرگ وی ادامه داشته است.<sup>۱</sup> روبه‌روی چهره پادشاه نام خورشید به پهلوی **𐭮𐭲𐭮𐭲𐭮** HWRSYTW نوشته شده است. بر قطعه دوم حاشیه کلمه **𐭮𐭲𐭮** آمده است. بر پشت سکه تغییر خاصی نسبت به سکه‌های فرخان و دات برزمهر ایجاد نشده است. (تصویر ۴)

### پس از مرگ خورشید

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، خورشید با هجوم مسلمانان به تبرستان در سال ۱۰۹ تبرستانی خودکشی کرد. اما پس از مرگ وی تا سال ۱۱۵ همچنان به نام او سکه ضرب شده است. منابع تاریخی سال مرگ خورشید را در حدود ۱۴۳ یا ۱۴۴ قمری نوشته‌اند که به نظر ممکن است سکه سال ۱۱۰ تحت نظر خورشید ضرب شده باشد.<sup>۲</sup> فرق اساسی سکه‌های پس از مرگ خورشید با سکه‌های زمان حیات وی، نیم‌تنه روی سکه‌هاست که پهن‌تر از قبل نقش شده است. ضرب سکه‌های پس از مرگ خورشید مقارن حکمرانی ابوالخصیب، ابوخریمه و ابوالعباس از حکام عرب تبرستان است که نام آنها در سکه‌های نیامده است. (تصویر ۵)

### سکه‌های حکام عرب

با مرگ خورشید، تبرستان به دست حکامی اداره می‌شد که از طرف خلفای عباسی به نیابت حکومت این ناحیه فرستاده می‌شدند. سکه‌های حکام عرب از طرح سکه‌های اسپهبدان پیروی کرده و بر یک روی سکه چهره پادشاه نقش گردیده و بر روی دیگر نقش آتشدان و نگهبانان آمده است. در بیشتر سکه‌های این دوره از دو خط پهلوی و کوفی استفاده شده است؛ نام امیر به کوفی و بقیه نوشته‌ها مانند گذشته به خط پهلوی است. در این میان، نام خالد تنها به خط پهلوی بر سکه‌ها آمده و همچنین بخشی از سکه‌های عمر به تاریخ‌های ۱۲۰ و ۱۲۷ - ۱۲۳ تبرستانی به خط پهلوی است. غیر از سکه‌های مذکور، بقیه حکام عباسی تبرستان از دو خط پهلوی و کوفی استفاده کرده‌اند.

۱. عقیلی، دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی، ص ۲۵۶.

2. malek, *The dabuyid*, p. 48.

### روح بن حاتم

چهارمین حاکم عباسی و اولین امیری است که به نام خود سکه ضرب کرده است. از وی به سال‌های ۱۴۶ تا ۱۴۸ قمری سکه ضرب شد و برخلاف دیگر سکه‌های این دوره، تاریخ آن به هجری است. از این امیر سه گونه سکه موجود است. گونه اول، روبه‌روی چهره به کوفی المهدی محمد و بر سمت چپ در زمینه بن امیرالمؤمنین نقر شده و در قطعه دوم حاشیه عبارت **روح** آمده است. بر پشت سکه نقش آتشدان و نگهبانان و سمت راست به کوفی و زیر آن به تبرستان و تاریخ ضرب به هجری ضرب شده است. بر زمینه سمت چپ عبارت «مما امر به روح بن حاتم» آمده است. (تصویر ۶)

گونه دوم، روبه‌روی چهره نام محمد به کوفی آمده و پشت سر پادشاه کلمات **روح** (افزوت) و **خوره** (خوره) به پهلوی نوشته شده است. در دومین قطعه حاشیه به کوفی امیرالمؤمنین، پشت سکه نقوش آتشدان و نگهبانان و محل ضرب در سمت راست و سال ضرب در سمت چپ به خط پهلوی آمده است. (تصویر ۷) گونه سوم، به طراز اسلامی و کاملاً نوشتاری (روی سکه در وسط «لا اله الا الله وحده لا شریک له» و حاشیه «بسم الله ضرب هذا الدرهم بطبرستان سنه ...» و پشت سکه در وسط «مما امر به المهدی محمد بن امیر المؤمنین» و حاشیه «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق ...» با نام المهدی محمد ضرب شده است. (تصویر ۸)

### خالد بن برمک

از وی سکه‌هایی به تاریخ ۱۱۶ تا ۱۲۰ تبرستانی معرفی شده است.<sup>۱</sup> سکه‌های ۱۱۵ و ۱۲۰ خالد کمیاب است. این سکه‌ها نشان‌دهنده اولین و آخرین سال امارت اوست.<sup>۲</sup> سبک سکه خالد اسپهبدی است و روبه‌روی چهره نام وی به خط پهلوی **مردم** (هالیت) نوشته شده است و در بقیه موارد کاملاً شبیه سکه خورشید است. (تصویر ۹)

### عمر بن العلاء

از وی شش گونه سکه به تاریخ‌های ۱۲۰ تا ۱۲۹ تبرستانی در دست است که در سه نوبت حکمرانی در تبرستان ضرب شده است. گونه اول، نام امیر به پهلوی (عمر) **مردم** و کلمه **روح** در دومین قطعه حاشیه نوشته شده است. این نوع سکه در تاریخ‌های ۱۲۰ تا ۱۲۱ تبرستانی ضرب شده است. (تصویر ۱۰)

1. Walker, *Gatalogue of the Muhammadan*, p. 133.

2. Malek, *The dabuyid*, p. 53.

گونه دوم، نام امیر به کوفی (عمر) و کلمه **سوم** در دومین قطعه حاشیه آمده است. این گونه از سکه‌های عمر در تاریخ‌های ۱۲۰ و ۱۲۱ تبرستانی ضرب شده است. سکه‌های نوع دوم تنها از نظر نوع خط با سکه نوع اول فرق دارد. (تصویر ۱۱) گونه سوم، نام امیر به کوفی (عمر) و کلمات **سوم** و **سوم** (اُپد و آران) در قطعات دوم و سوم حاشیه نقش شده است. این گونه سکه‌ها در تاریخ‌های ۱۲۰ تا ۱۲۵ و احتمالاً ۱۲۶ تبرستانی ضرب شده است. استفاده از کلمه‌ای جدید در قطعه سوم حاشیه که به نام آران یا آلان خوانده شده و به معنای نیک‌صفتان است، شاید تأکیدی بر محل ضرب باشد و بتوان آن را ساری یا سالی هم خواند. (تصویر ۱۲)

گونه چهارم، نام امیر به پهلوی (**سوم**) و کلمات **سوم** و **سوم** در قطعات دوم و سوم حاشیه نقش شده است. این سکه در تاریخ‌های ۱۲۶ تا ۱۲۷ تبرستانی ضرب شده و از نظر نوشته و علائم و نشانه‌ها جز در نام امیر، شباهت کامل به نوع سوم دارد (تصویر ۱۳).

گونه پنجم، نام امیر به طور کامل با خط پهلوی در زمینه **سوم** و در دومین و سومین قطعه حاشیه به کوفی عمر بن العلاء آمده است. این سکه نسبت به بقیه سکه‌ها از نظر نوشتار کامل‌ترین نوع سکه محسوب می‌گردد. نام و نسب امیر به صورت کامل و با دو خط کوفی و پهلوی بر سکه آمده است. این سکه نسبت به بقیه انواع یادشده نسبتاً کمتر در دست است. تاریخ ضرب این سکه‌ها تنها سال ۱۲۵ تبرستانی است. (تصویر ۱۴)

گونه ششم، نام امیر به کوفی - عمر - و کلمات **سوم** و **سوم** در قطعات دوم و سوم حاشیه به چشم می‌خورد. سکه مذکور الگوی بسیاری از سکه‌های بعدی است که امیران عباسی به نام خود ضرب و رایج کردند. این گونه سکه‌ها به تاریخ‌های ۱۲۷ تا ۱۲۹ تبرستانی ضرب شده است. (تصویر ۱۵)

### سعید بن دعلج

سکه‌های وی به لحاظ نوشتاری بر دو گونه است:

گونه اول، نام سعید به تنهایی و با حروف کوفی نوشته شده است. بر حاشیه و قطعات دوم و سوم کلمات پهلوی **سوم** و **سوم** نقر شده است. (تصویر ۱۶) گونه دوم، نام و نسب وی به خط کوفی در دو ردیف سعید بن / دعلج آمده است. سکه نوع دوم نایاب است. بر حاشیه سکه مانند نوع اول در قطعات دوم و سوم کلمات پهلوی **سوم** و **سوم** آمده است. از سعید برای سال‌های ۱۲۵ تا ۱۲۷ تبرستانی سکه در دست است. سکه‌های گونه اول به سال‌های ۱۲۵ تا ۱۲۷ تبرستانی ضرب شده و سکه گونه دوم تنها در سال ۱۲۶ تبرستانی رایج بوده است. (تصویر ۱۷)

### یحیی بن مخنک

درهم‌های نوع اسپهبدی یحیی از ۱۲۸ تا ۱۳۰ تبرستانی رایج بوده است. از وی دو گونه سکه در دست است. گونه اول، نام امیر (یحیی) به خط کوفی روبه‌روی چهره آمده است. ستاره بدون هلال ماه بر سمت راست تاج نقش شده است. گردنبد با آویزی متشکل از چهار نقطه ترسیم شده و بر شانه سمت راست، هلال ماه به چشم می‌خورد. بر قطعه دوم و سوم حاشیه کلمات **سوم** و **سوم** و ۱۱۱۱ و قطعات اول و چهارم گل زنبق<sup>۱</sup> نقش شده است. (تصویر ۱۸) گونه دوم؛ مانند گونه قبلی روبه‌روی چهره نام امیر به خط کوفی (یحیی) نوشته شده، ولی موتیف گل زنبق بر حاشیه نیامده است. (تصویر ۱۹) سکه نوع اول به تاریخ‌های ۱۲۸ تا ۱۳۰ تبرستانی ضرب شده و سکه نوع دوم تنها در سال ۱۳۰ تبرستانی رایج بوده است.

### یحیی بن الحرشی

سکه‌های حرشی به دلیل مدت کوتاه حکمرانی وی، اندک است. سکه‌های وی از ۱۹۳۵ میلادی به بعد شناخته شده است. روبه‌روی چهره، نام حرشی به خط کوفی آمده است. از وی تنها برای ۱۳۱ تبرستانی سکه در دست است و تمام ویژگی‌های سکه‌های دیگر این دوره را دارد. (تصویر ۲۰)

### مهران

وی تنها از سکه‌هایش با سبک اسپهبدی و به تاریخ ۱۳۵ تبرستانی شناخته شده است. روبه‌روی چهره نام مهران و در قطعات دوم و سوم کلمات **سوم** و **سوم** آمده است. (تصویر ۲۱) زیور روی سینه، یک ستاره با نقطه‌هایی در اطراف آن است.<sup>۲</sup>

### جریر

از جریر با وجود مدت کوتاه حکمرانی، دو گونه سکه در دست است. سکه‌های وی به سال‌های

۱. گل زنبق (زنبک) نماد امرداد و جشن امردادگان است. از جشن‌های ایرانیان امردادگان در روز امرداد (هفتمین روز امرداد در گاهشماری اوستایی) در ستایش اهوراست که به معنای بی‌مرگی و جاودانگی است. در روز امرداد مردم به دامان طبیعت رفته و جشن و سرور برپا می‌کردند. (بهمنی، *سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران*، ص ۶۵) نقش‌مایه گل زنبق پیش‌تر از این بر آثار تاریخی ایران دیده شده است. یکی از قدیمی‌ترین نقش‌مایه‌های موجود روی ریتون قرن ۸ ق. م در ماکو به دست آمده است. (گیرشمن، *هنر ایران در دوره ماد و هخامنشی*، ص ۲۸) بر سنگ‌نگاره و پارچه‌های تخت جمشید و کاشی‌های شوش (رحیمی، *تاریخ پوشاک ایران*، ص ۱۹۲) و تکه پارچه‌ای از دوره هخامنشیان، نقش‌مایه گل زنبق (پوپ، *سیری در هنر ایران*، ص ۸۵۵) دیده شده است.

2. Malek, *The dabuyid*, p. 106.

۱۳۵ تا ۱۳۷ تبرستانی با برخی از سکه‌های سلیمان هم‌زمان است. در گونه اول مانند بسیاری از سکه‌های این دوره، روبه‌روی چهره نام امیر به خط کوفی (جریر) آمده است. بر حاشیه روی سکه‌ها و در قطعات دوم و سوم کلمات پهلوی **سوم** و **۱۱۷۱** نوشته شده است. (تصویر ۲۲) گونه دوم، نام امیر (جریر) به خط کوفی در قطعه سوم حاشیه به‌جای کلمه **۱۱۷۱** به خط پهلوی آمده است. این گونه سکه‌ها که نام امیر به‌جای آنکه روبه‌روی چهره نوشته شود، بر حاشیه و در قطعه سوم آمده، یک نوآوری است. احتمالاً این سکه توسط سردار یا فرمانده بخشی از تبرستان به نام جریر ضرب شده است. سرداری که حق ضرب سکه به نام خود را نداشته است، برای ایجاد تمایز از سکه‌های بی‌نام با شعار افزود، استفاده کرده و برای ابراز وفاداری به سرور خود، نام جریر را بر حاشیه آورده است. نمونه چنین سکه‌ای با نام معد هم در دست است. (تصویر ۲۳)

### سلیمان

از وی سکه‌هایی از ۱۳۶ تا ۱۳۸ تبرستانی موجود است که شکل ویژه‌ای دارد. بر این سکه‌ها به‌جای چهره پادشاه، یک لوزی با سورشارژ بخ در میان آن به خط کوفی آمده است. شاید سلیمان ضروری دانسته است در سکه‌ها تغییراتی ایجاد کند تا بدین وسیله وجدان دینی خود را به‌عنوان یک مسلمان راضی نگاه دارد.<sup>۱</sup> شاید این تغییر به‌خاطر تمایل به مبارزه با نقش شمایل باشد که سلیمان براساس آن به‌کارگیری عکس را منع کرده است.<sup>۲</sup> نام سلیمان در سمت راست نقش لوزی با حروف کوفی و به‌صورت سلیمان آمده است. (تصویر ۲۴)

### معد

از معد که بنابر شواهد سکه‌شناسی تنها در سال ۱۳۸ تبرستانی بر آنجا حکمروایی داشت، دو نوع سکه در دست است. در حقیقت نام وی از همین سکه‌ها در تاریخ شناخته شده است. در گونه اول، مطابق معمول این دوره، نام معد روبه‌روی چهره به خط کوفی آمده است. در حاشیه روی سکه و در قطعات دوم و سوم کلمات پهلوی **سوم** و **۱۱۷۱** نوشته شده است. (تصویر ۲۵) گونه دوم، مانند سکه‌های نوع دوم جریر بر حاشیه روی سکه در قطعه چهارم نام معد به خط کوفی نوشته شده است. بر قطعات دوم و سوم کلمات پهلوی **سوم** و **۱۱۷۱** آمده است. ضرب این سکه نیز مانند سکه‌های جریر پیچیده است. (تصویر ۲۶)

1. Unvala, *coins of tabaristan*, p. 12.
2. Walker, *Gatalogue of the Muhammadan*, p. xxxvII.

### مقاتل

نام او تنها با سکه‌هایش به تاریخ ۱۳۷ تا ۱۴۱ تبرستانی شناخته شده است. نام مقاتل مطابق معمول سکه‌های این دوره در روبه‌روی چهره و به خط کوفی آمده است و بر حاشیه در قطعات دوم و سوم عبارات پهلوی **سرب** و ۱۱۷۱ آمده است. (تصویر ۲۷)

### هانی بن هانی

وی در سال‌های ۱۳۷ تا ۱۳۹ تبرستانی والی تبرستان بود. از او دو گونه سکه ضرب شده است. در گونه اول تنها نام امیر بدون حرف اضافه‌ای به خط کوفی روبه‌روی چهره پادشاه آمده است. بر حاشیه و قطعات دوم و سوم کلمات **سرب** و ۱۱۷۱ قرار دارد. گونه دوم علاوه بر نام امیر، حرف «ع» را در ادامه اسم حاکم آورده (تصویر ۲۸) که احتمالاً مخفف کلمه عدل است.<sup>۱</sup> بر حاشیه عبارات **سرب** و ۱۱۷۱ در قطعات دوم و سوم نقش شده است.


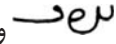
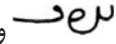
### عبدالله

نام وی بر سکه‌های ۱۳۹ تا ۱۴۱ تبرستانی آمده است. سکه‌های عبدالله را می‌توان به چهار گونه متفاوت از لحاظ نوشتاری تقسیم کرد. گونه اول، نام امیر (عبدالله) به کوفی و کلمات پهلوی **سرب** و ۱۱۷۱ در قطعات دوم و سوم حاشیه روی سکه‌ها آمده است. (تصویر ۲۹) گونه دوم، نام امیر به‌طور کامل (عبدالله بن عریف)، عبدالله در سمت راست و روبه‌روی چهره پادشاه و بن عریف در قطعه دوم حاشیه به‌جای عبارت پهلوی **سرب** نوشته شده است. (تصویر ۳۰) گونه سوم، نام امیر به‌طور کامل (عبدالله بن عریف)، عبدالله در سمت راست و روبه‌روی چهره پادشاه و بن عریف در قطعه سوم حاشیه به‌جای واژه پهلوی ۱۱۷۱ نقر شده است. (تصویر ۳۱) گونه چهارم، نام امیر به‌طور کامل (عبدالله بن عریف) در دو ردیف در سمت راست و روبه‌روی چهره پادشاه به‌صورت عبدالله / بن عریف به خط کوفی و بر حاشیه عبارات معمول **سرب** و ۱۱۷۱ آمده است. (تصویر ۳۲)



### قدید

تنها با معرفی سکه‌هایی از این امیر در سال‌های اخیر، نام وی شناخته شده است. سکه انحصاری وی به تاریخ ۱۴۰ تبرستانی ضرب شده است. نام او به خط کوفی روبه‌روی چهره نوشته شده است



1. Unvala, *coins of tabaristan*, p. 12.

و در حاشیه در قطعه اول و چهارم موتیف  قرار دارد و قطعات دوم و سوم مطابق معمول این دوره واژه‌های پهلوی  و  را دارد. (تصویر ۳۳)

### ابراهیم

سکه‌های ابراهیم حاکمیت او از ۱۴۰ تا ۱۴۱ را در تبرستان نشان می‌دهد. درهم‌های ابراهیم از نوع معمول اسپهبد با نام امیر بر زمینه سکه است. روبه‌روی چهره پادشاه «ابراهیم» به کوفی آمده و در قطعات دوم و سوم حاشیه روی سکه عبارات  و  نقش شده است. (تصویر ۳۴)

### سکه‌های بی‌نام با شعار افزوت

در میان سکه‌های تبرستان، مجموعه‌ای از سکه‌ها بدون نام هستند که در طول ۱۵ سال و از ۱۲۹ تا ۱۴۳ تبرستانی ضرب شده‌اند. این سکه‌ها از لحاظ نوشتاری با سکه‌های حکام عرب تفاوت دارد. در سمت چپ تصویر پادشاه تنها کلمه  به پهلوی آمده و کلمه  (افزوت) در قسمت راست سکه و روبه‌روی چهره و به‌جای نام امیر آمده است. به نظر می‌رسد سکه‌های بی‌نام اسپهبدان در ساری و سکه‌های حکام عرب در آمل ضرب می‌شده و نام تبرستان بر همه آنها آمده است.<sup>۱</sup> این سکه‌ها از لحاظ نوشتاری و نشانه‌ها به پنج گونه قابل تقسیم است:

گونه اول، روی سکه مانند بیشتر سکه‌های این دوره در قطعات دوم و سوم حاشیه، کلمات  و  را به پهلوی دارد. (تصویر ۳۵) گونه دوم، بر قطعه دوم حاشیه، کلمه  و  در سومین قطعه  نوشته شده است. تنها تفاوت شاخص نسبت به نوع اول، اضافه شدن حرف «ع» به کوفی است که بلافاصله بعد از کلمه پهلوی اپد آمده است. (تصویر ۳۶) گونه سوم، همانند سکه‌های قبلی است، ولی در چهارمین قطعه حاشیه روی سکه کلمه پهلوی  نوشته شده که آن را شکل ناقص آران (  ) می‌دانند که قبلاً در سکه‌های عمر دیده شده است. همین‌طور در حاشیه پشت سکه به‌جای طرح سه نقطه‌ای، گل زنبق  نقش شده است. (تصویر ۳۷) گونه چهارم، مانند نوع سوم است، ولی در پشت و روی سکه یک دایره دیگر اضافه شده است و نوشته‌ها و علائم حاشیه میان دو دایره قرار گرفته است. این نوع نیز همانند نوع قبلی به‌جای نقش سه نقطه‌ای، گل زنبق دارد. (تصویر ۳۸) گونه پنجم، در قطعات دوم و سوم حاشیه روی سکه کلمات پهلوی و کوفی  و  (  ) بخ بخ نوشته شده است. کلمه تکراری بخ که به‌معنای خوب آمده، قبلاً در شرح سکه‌های سلیمان آمده است.

1. Ibid, p. 13.

### فضل بن سهل

سکه‌ای به تاریخ ۱۶۱ تبرستانی ضرب شده که به‌جای چهره پادشاه، سورشارژ لوزی با واژه بخ در میان آن آمده است. در دومین و سومین قطعه کلمات **سول** و **سک** نقش شده است. در اولین و چهارمین قطعه حاشیه ذوالریاستین و فضل بن سهل به خط کوفی نوشته شده است. روبه‌روی چهره به‌جای نام امیر، کلمه **سک** (افزوت) آمده است. در پشت سکه به‌جای نقش آتشدان با دو نگهبان در اطراف آن، به خط کوفی و پهلوی در ۴ ردیف نوشته وجود دارد که به‌وسیله سه خط افقی از یکدیگر جدا شده‌اند. در ردیف اول سال ضرب به خط پهلوی و در ردیف‌های دوم و سوم به کوفی **لااله الاالله و محمد رسول الله** و در ردیف چهارم تپورستان به پهلوی آمده است. (تصویر ۳۹)

### نتیجه

ضرب سکه‌های تبرستان در طول بیش از صد سال در دو مرحله فرهنگی و سیاسی قابل بررسی است. دوره اول پادشاهی مستقل تبرستان است که پس از انقراض سلسله ساسانیان شکل گرفت. آنان برای کسب مشروعیت، خود را خلف ساسانیان معرفی کردند. مسکوکاتی به سبک و شیوه ساسانی ضرب کردند که از نظر نوع خط، مضامین و نقوش و نشانه‌های نمادین و طراحی کلی تابع سکه‌های ساسانیان است. پایبندی به اصول و احکام آیین زردشت در این دوره برای حفظ و بقای حاکمیت و مشروعیت‌طلبی اهمیت دوچندان داشت. در این راه بهره‌گرفتن از احساسات مذهبی و تقویت حس ملی‌گرایی و وطن‌دوستی بهترین گزینه بود که به‌نظر می‌رسد اسپهبدان تبرستان نسبت بدان موفق عمل کردند و با این شیوه توانستند مدت‌ها در برابر قدرت برتر خلفا مقاومت نمایند. نقش و کتیبه‌های مسکوکات اسپهبدان حاکی از آن است که هریک از آنها دو گونه سکه از خود برجای گذاشته‌اند که غالباً عمده تفاوت آنها در کتیبه و علائم (نقش هلال ماه و ستاره و نقطه‌های سه‌گانه) است. در مجموع از سه پادشاه اسپهبدی که سکه ضرب کردند، شش گونه قابل شناسایی و تفکیک است که جالب‌ترین آنها، سکه پس از مرگ خورشید با نیم‌تنه پهن‌تر است.

دوره دوم، حاکمیت و استیلای عباسیان بر تبرستان است. در این دوره و پس از فتح تبرستان، نمایندگانی برای حکومت تبرستان گسیل شدند تا نایب حکومت عباسیان در منطقه باشند. در این دوره تلاش شد تا با تفوق سیاسی، سیطره فرهنگی نیز ایجاد گردد؛ ولی به‌نظر در ابتدای امر با مقاومت جامعه‌ای روبه‌رو شد که به‌شدت بر عقاید زردشتی خود پای می‌فشرد. این ایستادگی



امیران عباسی را مجبور به تغییر رویه و اعتدال در برخورد با فرهنگ و باور حاکم بر جامعه کرد. سکه‌های روح بن حاتم با شیوه و طراز اسلامی به‌نوعی بیانگر این حقیقت است که امرای عباسی سعی داشتند افکار و عقاید خود را بر جامعه تبرستان ترویج و تبلیغ و تحمیل نمایند؛ ولی احتمالاً با مقاومتی سخت و لجوجانه مواجه شدند و ناگزیر به سکه‌هایی روی آوردند که تا حدود زیادی به سکه‌های رایج و متداول قبلی شباهت داشت. بی‌شک سکه‌های طراز ساسانی روح بن حاتم تلاشی برای پیوند میان فرهنگ‌ها بود که تداوم چندانی هم نداشت. خلف وی خالد بن برمک سکه‌هایی ضرب کرد که حتی نام کوفی امیر نیز از آن حذف گردید و تمام سکه به شیوه اسپهبدی ضرب و متداول شد. این نوع سکه‌ها می‌تواند نشانه مقاومت سرسختانه مردم و پابندی به سنت‌ها و آیین گذشته‌شان باشد که با عکس‌العمل منطقی ولات عباسی روبه‌رو شد. این نوع تغییرات در مدت زمان نسبتاً کوتاه را باید این‌گونه توجیه کرد که امرای عباسی برای ایجاد تغییر اساسی، منتظر فرصت مناسب بودند. در دوران حکمرانی امیری چون عمر بن العلاء که منابع او را سختگیر یاد کردند، سکه‌هایی در انواع مختلف ضرب شد، ولی سعی شد روند اعتدال و مدارا همچنان سرلوحه کار باشد. در این میان تلاش‌هایی برای تغییر روند اعتدال بر سکه‌های سلیمان به چشم می‌خورد که به‌نظر بی‌نتیجه رها شد؛ چراکه پس از وی پیگیری نشد و شیوه ضرب سکه‌ها چون گذشته تداوم یافت.

از شانزده امیر عباسی و سکه‌های بی‌نام تبرستان، سی و شش گونه شناسایی و مطالعه شده است. با توجه به مدت کوتاه حکمرانی، این تنوع بی‌نظیر نشان از تبحر و علاقه‌مندی هنرمندانی دارد که به ضرب سکه در این خطه اشتغال داشته‌اند.

## منابع و ماخذ

۱. آملی، اولیاءالله، تاریخ رویان، تحقیق و تصحیح منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
۲. ابن‌اسفندیار کاتب، بهاءالدین محمد بن حسن، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، کلاله خاور، ۱۳۶۶.
۳. اعظمی سنگسری، چراغعلی، «سکه‌های تبرستان، گاو بارگان و حکام خلفا»، بررسی‌های تاریخی، سال هشتم، ش ۲-۱، ۱۳۵۲.
۴. امام شوشتری، محمدعلی، تاریخ مقیاس‌ها و نقود در حکومت اسلامی، تهران، چاپخانه دانشسرای عالی، ۱۳۳۹.
۵. برزگر، اردشیر، تاریخ تبرستان، ج ۲، تصحیح و پژوهش محمد شکر فومنی، تهران، رسانش، ۱۳۸۰.

۶. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، تهران، نقره، ۱۳۶۷.
۷. بهمنی، پردیس، *سیر تحول و نظور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران*، گروه هنر دانشکده هنر و رسانه دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۹.
۸. پاکزادیان، حسن، *تاریخ و گاهشماری در سکه‌های تبرستان*، تهران، مؤلف، ۱۳۸۷.
۹. پوپ، آرتور و اکرم فیلیس، *سیری در هنر ایران*، ویرایش سیروس پرهام، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
۱۰. رحیمی، پریچهر، *تاریخ پوشاک ایران (نگرشی بر پوشاک ایرانیان از هزاره پنجم پیش از میلاد تا اواخر دوره هخامنشی)*، تهران، دانشگاه هنر، ۱۳۸۵.
۱۱. زرین کوب، عبدالحسین، *تاریخ مردم ایران از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
۱۲. سرفراز، علی اکبر و فریدون آوزمانی، *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه*، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
۱۳. عقیلی، عبدالله، *دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی*، تهران، بنیاد محمود افشار، ۱۳۷۷.
۱۴. گیرشمن، رومن، *هنر ایران در دوره ماد و هخامنشی*، ترجمه عیسی بهنام، تهران، ترجمه نشر کتاب، ۱۳۴۶.
۱۵. گیلانی، ملاشیخعلی، *تاریخ مازندران*، تصحیح و تحشیه، منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
۱۶. مادلونگ، ویلفرد، *سلسله‌های کوچک شمال ایران ولایات ساحلی دریای خزر، تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانی تا آمدن سلجوقیان*، مجموعه تاریخ ایران کمبریج، گردآورنده رن. فرای، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۱۷. مرعشی، میر ظهیرالدین بن نصیرالدین، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، با مقدمه محمدجواد مشکور، به کوشش محمدحسین تسییحی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی شرق، ۱۳۴۵.
۱۸. نقشبندی، ناصر سید محمود، *درهم اسلامی (جزء اول درهم‌های عرب - ساسانی)*، ترجمه امیر شاهد، تهران، بی تا.
۱۹. نوبان، مهر الزمان، *نام مکان‌های جغرافیائی در بستر زمان (نام قاره، کشور، استان، شهر، بخش، آبادی‌ها، دریا، دریاچه، رود، باتلاق، کوه و ...)*، تهران، انتشارات ماه، ۱۳۷۶.
۲۰. نوروززاده چگینی، ناصر، «مازندران در دوره ساسانی»، ۲، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، ش ۲، ص ۲۱، ۴۳ - ۲۹، سال اول، بهار و تابستان ۱۳۶۶.
۲۱. همایونفرخ، رکن‌الدین، *سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان*، هیئت امنای کتابخانه عمومی کشور، تهران، ۱۳۵۰.

22. Malek, hodgemehdi, *The dabuyid is pabhad and early abbasid governors of taberistan - history and numismatics*, London, Royal numismatic soccity special publication, No. 39, 2004.
23. Unvala, jam shedjimaneckji, *Coins of tabaristan and some sasanian coins from susa*, Paris, G. P. maisonneure, 1938.
24. Walker, John, *Gatalogue of the Muhammadan Coins in the British museum a gatalogue of the arab-sassanian coin* (umaiyad gorenors in the east arab - ephthallites, abbasid gorenor sin tabaristan and bukhara), London, the british museum printed by order of the trustes, 1941.





تصویر شماره ۱

ماخذ:

malek, 2004: p11-1.2

تصویر شماره ۲

ماخذ:

نگارندگان

تصویر شماره ۳

ماخذ:

malek, 2004: p 13-23.2

تصویر ماره ۴

ماخذ:

نگارندگان



تصویر شماره ۵

ماخذ:

نگارندگان

تصویر شماره ۶

ماخذ:

Malek, 2004: p 17, 54.1

تصویر شماره ۷

ماخذ:

Malek, 2004: p 17, 54.3

تصویر شماره ۸

ماخذ:

Malek, 2004: p 17, 54b.1



تصویر شماره ۱۲  
ماخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۱۱  
ماخذ: نگارنده



تصویر شماره ۱۰  
ماخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۹  
ماخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۱۶  
ماخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۱۵  
ماخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۱۴  
ماخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۱۳  
ماخذ: نگارندگان







تصویر شماره ۲۰	تصویر شماره ۱۹	تصویر شماره ۱۸	تصویر شماره ۱۷۳
ماخذ:	ماخذ:	ماخذ:	ماخذ:
Malek, 2004: p 115, 91.3	Malek, 2004: p 115, 89.8	Malek, 2004: p 114, 89.1	Malek, 2004: p 1, 87.2



تصویر شماره ۲۴	تصویر شماره ۲۳	تصویر شماره ۲۲	تصویر شماره ۲۱
ماخذ:	ماخذ:	ماخذ:	ماخذ:
نگارندگان	Malek, 2004: p 115, 92.4	Malek, 2004: p 135, 200.2	نگارندگان



تصویر شماره ۲۸

ماخذ:

نگارندگان

تصویر شماره ۲۷

ماخذ:

نگارندگان

تصویر شماره ۲۶

ماخذ:

Malek, 2004: p 136, 201.1

تصویر شماره ۲۵

ماخذ:

نگارندگان



تصویر شماره ۳۱

ماخذ

Malek, 2004: p 123, 134.2

تصویر شماره ۳۲

ماخذ:

نگارندگان

تصویر شماره ۳۰

ماخذ:

Malek, 2004: p 123, 133.1

تصویر شماره ۲۹

ماخذ:

نگارندگان



تصویر شماره ۳۶

ماخذ:

نگارندگان

تصویر شماره ۳۵

ماخذ:

نگارندگان

تصویر شماره ۳۴

ماخذ:

نگارندگان

تصویر شماره ۳۳

ماخذ:

Malek, 2004: p 124, 137.2



تصویر شماره ۳۹

ماخذ:

Malek, 2004: p 136, 202.3

تصویر شماره ۳۸

ماخذ:

نگارندگان

تصویر شماره ۳۷

ماخذ:

نگارندگان